



۲۰۱۵/۱۰/۱۴



فارو



په اروپا کی د افغان پناهندگانو د ټولنوفدراسیون فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

باید موارد نقض حقوق بشر درکنز جدی گرفته شوند

دست بدست شدن شهر کنز میان مقامات دولتی افغانستان و طالبان در جریان جنگهای ده روز اخیر، شاهد موارد شدید نقض حقوق بشروجنایات جنگی علیه غیر نظامیان از طرف جوانب مختلف درگیر درین جنگ بوده است. علاوه بر بمباردمان شفاخانهٔ داکتران بدون سرحد که توجه جهان و رسانه ها را بخود جلب کرده است، گزارشات رسانه های داخلی حاکی از جنایات زیادی از جانب طالبان و گروه های ملیشیه متعلق به جنگسالاران دولتی افغانستان نیز بوده است. وسعت و تنوع این جنایات اصولاً مستلزم تحقیق توسط یک ارگان بیطرف بین المللی مثلاً سازمان عفو بین المللی یا دیده بان حقوق بشر میباشد. صرف بعد از چنین تحقیقاتی میتوان گفت چند مورد جنایت جنگی و یا نقض حقوق بشرواقع شده است و مسؤل هر یک ازین موارد کدام طرف جنگ میباشد. علاوه عواقب بشری تغل قوای نظامی دولتی در دفاع از مردم کنز باید مورد ارزیابی قرار گرفته ونتایج این ارزیابی به اطلاع مردم افغانستان رسانیده شود. این کار نیز بنظر ما در ساحت کاری کمیسیون حقوق بشر افغانستان قرار دارد که در همکاری با جامعهٔ مدنی درین ولایت انجام گردد.

کمیسیون دولتی اعزام شده توسط اشرف غنی، هدفی جز هموار ساختن راه برای مجازات و مکافات چند صاحب منصب نداشته وتوجه ای به جنایات علیه بشریت نخواهد کرد. تحقیقات فوق الذکر با اهمیت تر از کار کمیسیون دولتی بوده مستلزم توجه خاص است. هرگاه دولت مرکزی به بهانهٔ شکنندگی وضعیت نظامی سیاسی این تحقیقات را به تعویق اندازد وبکوشد بالای جنایات علیه بشریت در کنز خاک پاش دهد، مسؤلیت عواقب ناگوار ذیل را بدوش میگیرد:

اول: در قدم نخست مردم غریب و بی پناه کنز که قربانی اصلی جنایات انجام شده اند، از دولت ازین بیشتر نا امید گردیده و برای رسیدن به عدالت طرق دیگر را جستجو میکنند. این حالت در نبود یک بدیل بهتر بنفع دشمنان افغانستان تمام میشود.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

دوم در حالتی که مسؤولیتها و حدود آن نا معلوم باشد همه ناقضین حقوق بشر و مظنونین جنایات از دخیل بودن در جنایات علیه افراد ملکی انکار میکنند و مسؤولیت را به جانب مقابل نسبت میدهند. همین حالت اکنون هم بیداد میکند. حالت موجوده باعث آن گردیده که در یک شهر کثیر الاقوام نظیر کندز، اشخاصیکه مرض قوم پرستی دارند ابتکار را بدست گرفته و همه جنایات را به قوم یا اقوام دیگر نسبت میدهند یا از جانبیان دفاع میکنند. برای گروه طالبان در شمال کشور به نقل قول از شماره اول اکتوبر ۲۰۱۵ نیویارک تایمز پالیسی جدیدی وضع شده است که استخدام اقوام ساکن در شمال در آن نقش مهم دارد. در شماره متذکره نیویارک تایمز میخوانیم: (معمولاً طالبان از جمع پشتونها عضو گیری میکردند، اما در سالهای اخیر در شمال یک پالیسی زیرکانه را در پیش گرفته و به جذب رهبران قومی ناراضی میپردازند. زمانی این به معنی پشتیبانی از یک بزرگ قومی تاجک در برابر یک همسایه قویتری یعنی کلان قومی ازبک در قسمت بزور گرفتن قرارداد های سود آور پروژه انکشافی بود. در مرحله دیگر طالبان به جنگجویان ازبک تبار متعلق به کشورهای همسایه دستور میدهند که در مناطق شمال فعالیت نموده و ازبکهای افغان را جذب کنند). به همین ترتیب در قسمت دیگر همین مقاله میخوانیم: ((محمد الله سادات یک قوماندان طالبان که در اشغال کندز سهیم بود از طریق تلفون گفت: خودم یک هزاره هستم. ما همه یکجا و زیر یک بیرق یعنی بیرق اسلام جهاد میکنیم. ما برای اسلام مبارزه میکنیم نه برای کدام گروه مشخص قومی)). محتوی این مقاله تحقیقی یک بار دیگر نشاننده این واقعیت است که طالبان در راه رسیدن به اهداف سیاسی وایدیولوژیک شان که با منافع آی اس آی گره خورده است، حاضر به سر باز گیری از اتباع کشورهای خارجی و همه اقوام کشور اند. قتل هزاران کلان قوم، جوان و روشنفکر پشتون توسط طالبان صورت نمیگرفت اگر رهبران طالبان به رابطه قومی خویش کوچکترین ارزشی قایل میبودند. بنابراین ربط دادن جنایات قندوز بیک قوم اگر از حماقت ناشی نشده باشد، نفاق انداختن بین اقوام افغانستان میباشد. اتهام زنی بین اقوام اگر با مدیریت قوی تحت کنترل آورده نشود، به یک بحران سیاسی تمام عیار تبدیل شده میتواند. بهترین راه جلوگیری از عواقب این بهتان زنی ها، همانا تحقیق جرایم توسط یک ارگان بیطرف چون کمسیون حقوق بشر یا سازمان بین المللی دیده بان حقوق بشر میباشد. قربانیان که اهل محل ارتکاب جرم اند و زورمندان منطقه خود را میشناسند، قادر به دادن معلومات لازمه برای تثبیت طرف متخلف میباشند. مشروط بر اینکه به تحقیق کننده اعتماد کرده بتوانند.

سوم مردم ملکی کندز (متعلق به همه اقوام) از سقوط کندز بدست طالبان و دست بدست شدن آن شهر طی روزهای متعاقب خسارات زیادی را متحمل شده اند. بر علاوه خساره جانی، خسارات روحی و مالی به باشندگان کندز و بیجا شدن صد هزار نفر ازین شهر، تأثیریس منفی بر زندگی مردم کندز وارد ساخت. مسؤولیت این حالت را تاحدی دولت افغانستان بخاطر عدم جلوگیری بموقع از تراکم حضور نظامی طالبان که بتدریج در اطراف شهر کندز لانه کرده بودند، بدوش میکشد. هرگاه درسهای سیاسی نظامی سقوط کندز جدی گرفته نشود و پالیسی امنیتی ناکام کنونی ادامه یابد، باشندگان سایر ولایات افغانستان نیز خاطرات تلخ مردم کندز را تجربه خواهند کرد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

چهارم بمباردمان شفاخانه داکتران بدون سرحد در کندز از جانب نیروهای امریکایی بذات خود یک تخلف صریح از کنوانسیونهای بشردوستانه زنیو بوده و جنایت جنگی تلقی شده میتواند. جنرال کیمبل قوماندان قوای ناتو در افغانستان، حین گزارش به سنای ایالات متحده اظهار داشت که بمباردمان شفاخانه سهواً صورت گرفته است و درین مورد تحقیقات پنتاگون ادامه دارد. البته داکتران بدون سرحد نتایج تحقیقات پنتاگون را نمی پذیرند و خواستار تحقیقات توسط کمیسیون بیطرف یعنی کمیسیون حقیقت یاب واقعیات بشردوستانه شدند. این کمیسیون توسط یکی از پروتوکولهای کنوانسیونهای زنیو اساس گذاشته شده است. مشکل این کمیسیون اینست که فقط دول ذیربط (در رابطه با کندز افغانستان و ایالات متحده) ، ((در صورتی که تأسیسات بشردوستانه قصداً مورد حمله قرار گرفته باشند))، قضیه را به کمیسیون مذکور راجع سازند. متأسفانه افغانستان و ایالات متحده هر دو درین ماجرا سهم خود را دارند و خواست فوق داکتران بدون سرحد پذیرفته نخواهد شد. بدین ترتیب باز هم یک جنایت جنگی در افغانستان به ترازوی عدالت گذاشته نخواهد شد. البته وعده اتخاذ اقدامات تطمیع کننده از قبیل پوزش توسط اوپاما، پرداخت ننوات به فامیلهای قربانیان و بازسازی شفاخانه داکتران بدون سرحد داده شده است .

پنجم پولیس محلی نام جدیدیست برای گروههای ملیشیای تأسیس شده توسط جنگسالاران وقوماندانان تنظیمی برای ارباب و استثمار مردم محلی. پولیس محلی در زمان صلح به جان، مال و عزت مردم ناتوان محلی تجاوز میکند وزمانیکه محل مورد حمله بزرگ دشمنان دولت قرار میگیرد، قبل از رسیدن دشمن به محل پا به فرار میگذارد. چون پولیس محلی مورد حمایت اعضای پارلمان ومقامات دیگر دولت قرار دارد، مورد مواخذه قرار نمی گیرد و به چاپیدن مردم محل ادامه میدهد. اخبار رسیده از کندز حاکی از آنست که آقای ابراهیمی رییس ولسی جرگه که سابق قوماندان حزب اسلامی حکمتیار بود، در ولسوالی امام صاحب گروپ پولیس محلی دارد وسایر پستهای امنیتی این ولسوالی را هم بین اعضای فامیل خود تقسیم کرده است. هنوز پای طالبان به امام صاحب نرسیده بود که ناز پرورده های ابراهیمی با فامیلهای شانرا طیارات نظامی جانب کابل پرواز داد. اینست خصلت حقیقی تنظیمی ها. با اختصار میتوان گفت که عدم موجودیت پولیس محلی برای مردم محل، بهتر از وجود آنست .

جنگ افغانستان از خارج دامن زده میشود، تمویل میگردد، رهبری میشود و کشورهای مختلف منطقه و جهان از طریق ایادی خویش این جنگ را درجهت منافع منطقوی خود سوق میدهند. حوادث اخیر کندز یکبار دیگر ثابت ساخت که مردم ملکی بی واسطه و بی پناه قربانی اصلی این جنگ اند. با کمال تأسف باید گفت که در نبود یک جنبش اجتماعی قوی مدافع اقشار محروم و بیسواد یا کم سواد اکثریت مردم، حلقات حاکم که قدرت سیاسی واقتصادی را در انحصار خویش در آورده اند، با بی اعتنائی به بازی با سرنوشت اقشار محروم کشور ادامه خواهند داد.

"کمیتة حقوق بشر فارو"